

مقاومت بدون خشونت؛ راه حل بدیل در رفع تصادف‌ها در فلسطین

ملک یحیی صلاحی*

۵۳

چکیده

سالهاست که فلسطین در اضطراب و جنگ و آتش و بی ثباتی می سوزد و هر کس به دنبال راه حلی برای خروج از این بحران است به صورتی که حقی پایمال نشود. بارزترین ضعف قدرت در این است که یک راه پر پیچ و خم و ماریپیچ به طرف پایین سیر می کند. به عبارت دیگر، قدرت همیشه پس از نقطه اوج خود، سیری نزولی دارد و همین مسئله باعث می شود تا نظر ما به این مطلب جلب شود که چه چیزی را در این مسیر تخریب می کند. قدرت اگر معنوی نباشد، معمولاً به جای اینکه مشکل گشا باشد و عیوب را کاهش دهد، تعارض را افزایش داده و نقایص را چند برابر می کند. برای مثال، شاید بتوان به کمک قدرت یک دروغگو را به قتل رساند یا تنبیهی شدید برای او در نظر گرفت، ولی هرگز نمی توان «دروغ» را نابود کرد و از آن مهمتر اینکه نمی توان حقیقت را جایگزین آن نمود. قدرت می تواند متنفران را از میان بردارد ولی نه تنفر را. در عمل قدرت فقط تولید کننده تنفر است. قدرت را با قدرت پاسخ دادن نتیجه ای جز توسعه قدرت نخواهد داشت. آسمان قدرت کنترل نشده، آسمان بی ستاره و احتمالاً یک کسوف و تاریکی مطلق در پی خواهد داشت. تاریکی نمی تواند تاریکی را برطرف کند، چون اصلاً وجود خارجی ندارد؛ آنچه هست روشنایی است. نفرت بر طرف کننده نفرت نیست، فقط عشق است که قادر به محو نفرت است.

کلید واژگان: فلسطین، انتفاضه، مقاومت، اسرائیل، صلح، جنگ.

* دکتر ملک یحیی صلاحی، دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی است. فصلنامه مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، سال نهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۷، صص ۷۴-۵۳.

دیباچه

ما تقریباً هر روز شاهد و تماشاگر تصاویر و عکسهایی در روزنامه‌ها و تلویزیون درباره مرگ و مجروح شدن زنان و کودکان فلسطینی و حتی یهودی تبار هستیم که توسط ارتش اشغالگر اسرائیل (در مبارزات خیابانی، تظاهرات و یا نقاط بازرسی) به هلاکت می‌رسند. شهادت طلبان فلسطینی و سربازان صهیونیستی پیوسته در حال رد و بدل کردن فشنگ و موشک و سنگ و غیره می‌باشند و معمولاً گروههای نجات و هلال احمر به دلیل مشکلاتی که رژیم اشغالگر در تردد آمبولانس‌ها و کمک‌رسانی ایجاد می‌کنند، با موانعی جدی در رسیدن به مجروحین، وظیفه‌ای پرخطر را همراه با یأس و ناامیدی به انجام می‌رسانند. برای مثال، سه نفر از اهالی دهکده (Budrus) در درگیری که به مناسبت تظاهرات علیه ساخت دیوار حایل برپا شده بود، زخمی شدند و صبح همان روز سه عدد راکت قسام (Qassam) توسط فلسطینی‌ها به غرب (Negev) به عنوان پاسخ شلیک شد، اگر چه کشته و مجروحی نداشت.^۲ این اخبار کمتر توسط متخصصان و سرشناسان برجسته و بی‌طرف ارایه می‌شود، بلکه بیشتر خبرنگاران و عکاسان از جان گذشته یا ماجراجو هستند که کم و بیش قسمتی از واقعه را کسب کرده و انتشار می‌دهند. چون تقریباً نیازهای پزشکی و بیمارستانی، مدارس، مساجد و... هر روزه با بلدوزر نابودشده و تخریب خانه‌های مردم و درختان زیتون به عنوان منبع حیاتی فلسطینی‌ها و حتی اردوگاههای پناهندگانی که از منازل خود رانده شده‌اند، همه و همه تصویر تأسف بار و رقت‌آوری را در فلسطین به وجود آورده است؛ به این‌ها باید تهاجم مهاجران یهودی را در فلسطین نیز باید به اینها افزود. یعنی به نوعی فلسطینی‌ها به عنوان غریبه در خانه و مملکت خود به سر می‌برند. نتیجه این مطالب تصویری از یک اقتصاد و حیات انسانی رقت‌بار رو به گسترش است. به عبارت دیگر، سرزمینهای اشغالی از سالها پیش تحت نفوذ و سلطه اسرائیلی‌ها در آمد و بعد از انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ میلادی یک شکاف عظیم بین دو جبهه متخاصم پدید آمد که این عوامل در هر دو طرف تخاصم باعث شکافهای عظیمی شده است. به طوری که در شبکه‌های اقتصاد و جامعه آثار رکود و بحران روانی کاملاً محسوس است.^۳ شکاف عظیمی که بین دستمزدها در اسرائیل پدید آمده است، حکایت از بحرانی جدی است که اعتصابات پی‌درپی را به دنبال داشته که در نهایت توسط سازمان

هیستادروت (Histadrut) به اعتصابهای عمومی دو روزه منجر شد، به طوری که دستگاههای دولتی نیز از آن در امان نماندند.^۴

دولت اسرائیل به جای اینکه مشکل را به طور بنیادی و جدی بررسی کند، اعمال خود را روی بودجه ای نظامی متمرکز کرد با این توجیه که باید از نظر داخلی و خارجی به امنیت بیشتری دست یافت، و در این رابطه ملت فلسطین و تروریست بین الملل را دشمن اصلی و مانع اصلی صلح و امنیت و رشد اقتصادی اسرائیل را معرفی کرد. این روند و مدلی بود تا اسرائیل ذهن جهانیان را متوجه مسئله تروریسم و تبدیل آن به یک مسئله بین المللی و همگانی نماید و در همین رابطه بود که با کمک آمریکا و تبلیغات گسترده، از جهانیان راه حلی اساسی برای مقابله و مبارزه با تروریسم جهانی و فلسطینی ها خواست. به دنبال این روند، وزیر خارجه اسرائیل سیلوان شالوم در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴ ایران را منشاء اصلی تروریسم و محور شرارت معرفی کرد.^۵ در همین زمان، دهکده های یهودی نشین رو به گسترش و برنامه ریزی خرید ۵۰۰۰ بمب هوشمند از ایالات متحده آمریکا و زیردییی از آلمان در دست اقدام بود که حکایت از بازی قدرت و گسترش سیاست تهاجمی حکومت اشغالگر اسرائیل داشت.^۶

به هر حال، روزانه تعداد زیادی از انسانها در مناطق اشغالی و حتی در خود اسرائیل فدای قدرت می شوند که نتیجه به جز درد و ترس و گاه تعصبات بی دلیل و پاشیدن تخم کینه و خشونت و مرگ چیزی در پی ندارد. برای دستیابی به یک ساخت و پیکره ارزشمند حیات انسانی و یک آینده عادلانه و هم زیستی مسالمت آمیز فلسطین و اسرائیل فقط یک راه وجود دارد و آن خارج شدن از این ماریپچ حلزونی قدرت است. متخصصان و فعالان صلح و امنیت چه فلسطینی و چه اسرائیلی به خوبی درک کرده اند که این روند جز ناامنی و بی ثباتی و هزینه های مادی و معنوی گزاف برای هر دو ملت، حاصلی ندارد. این بدان معنا است که باید راه حلی بدون خون ریزی با انعطاف پذیری جدی برای دو طرف به کشمکش ها خاتمه داد. در حال حاضر، این روند موجود را اسرائیلی ها ناکافی و فلسطینی ها فریب کاری از سوی اسرائیل برداشت می کنند و تا زمانی که این وضعیت تغییر اساسی پیدا نکند، همچنان حالت جنگی و رقت بار برای هر دو طرف مخاصمه حاکم خواهد بود. این مقاله به دنبال پاسخگویی

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

به این می‌باشد که چگونه می‌توان بدون خونریزی به ختم زورآزمایی و کشتار در سرزمینهای اشغالی و اسراییل از یک سو و فلسطینی‌های رانده شده از خانه و کاشانه خود از سوی دیگر، به یک نتیجه منصفانه همراه با هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و هم‌جواری رسید.

چارچوب نظری

بسیاری از جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان، روابط اجتماعی و حیات انسانی را عرصه ظهور و بروز قدرت می‌دانند که آدیان در فرایند ارتباط با دیگران در صدد تأمین خواست یا تحمیل اراده خود بر دیگران می‌باشند. اما در این میان عرصه‌های لحظات و مواقعی وجود دارد که بیش از دیگر موقعیتها مسبوق به اراده و روابط تنازع‌آمیز قدرت می‌باشد؛ که در تعریف متداول این روابط و موقعیتها را سیاسی می‌نامند؛ به عبارت بهتر، از این منظر امر سیاسی عبارت است از حوزه و فرایند تولید، توزیع و اجرای قدرت در عرصه جامعه.

اما در تعامل قدرت در جامعه دو دغدغه مهم وجود دارد: نخست، راهبردهای قدرت و دیگری، قدرت راهبردی. راهبردهای قدرت ناظر بر اجرای انواع ترفندها و طرحها برای دستیابی به خواست خود است. در این الگو هیچ منبعی مستقل از خود راهبرد تدوین شده برای پیشبرد برنامه‌ها و حصول اهداف وجود ندارد و بازی قدرت عبارت است از رقابت راهبردهای عاملان و فعالان عرصه سیاست و قدرت برای پیشبرد منویات خود. از دیدگاه این الگو، یک نوع وضعیت آنارشی در عرصه منازعه قدرت حاکم است اگر چه دست بازیگران برای تدوین راهبردهای مطلوب باز است، اما با آشفتگی شدن اوضاع، نوعی تزلزل در قدرت ایجاد می‌شود که امکان تثبیت آن کاهش می‌یابد. نمونه شاخص^۷ راهبرد قدرت کتاب بسیار مهم «شهریار» ماکیاولی است که در آن همه قواعد، ارزشها، نهادها، سازمانها و ... به ابزار یا اجزای راهبرد قدرت شهریار تبدیل یا فروکاسته می‌شود، گو اینکه همین نگرش ابزار انگارانه موجب زوال انرژی این منابع در پیشبرد اهداف شهریار می‌شود؛ زیرا برای مثال تأثیر اخلاق ناشی از اعتبار و اصالتی است که جامعه برای ارزشها قایل است و اگر در راهبرد قدرت این منبع ارزشی به ابزاری در خدمت روابط قدرت تبدیل شود، روانی خود را از دست می‌دهد و بنابراین فاقد قابلیت ابزاری لازم برای تدوین راهبرد قدرت هم می‌شود. اما ضرورت تثبیت

قدرت ایجاب می‌کند که راهبرد قدرت یا به قدرت راهبردی تبدیل شود و یا در خدمت حدوث و تکوین آن قرار گیرد. به این معنی که قدرت از چنان منابع پایدار مشروعیت برخوردار شود که نفوذ حداکثری آن مستلزم اجرای ترفندها و راهبردیهای مذکور نباشد، اگر چه با استقرار قدرت، دوام و استمرار و پایایی آن در طول زمان تضمین و تثبیت شود. در این رابطه الگوهای مختلفی برای استقرار قدرت راهبردی ارائه شده است که می‌توان به عنوان گونه‌شناسی قدرت مورد استفاده قرار داد. اگر چه این گونه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند ولی همگی در یک نکته اشتراک دارند و آن پیگیری ایجاد و استقرار قدرت راهبردی است که می‌توان آنها را در یکی از سه الگوی زیر به نمایش گذاشت.^۸

۱. قدرت عملیاتی - رخدادی

۲. چهره دوم قدرت

۳. قدرت رادیکال

قدرت عملیاتی - رخدادی عام‌ترین الگوی قدرت راهبردی است که نظریه تجربی قدرت را تأیید می‌کند: یعنی وقوع رابطه قدرت منوط به وجود بازیگران انضمامی قدرت است؛ به عبارت دیگر این بازیگران برای تأمین منافع خود در آن عرصه‌ها وارد رقابت می‌شوند. از دیدگاه این نظریه، در شرایط فقدان رخداد یا موقعیت خاصی که به عرصه رقابت منافع رقیب تبدیل نشود، رابطه قدرتی شکل نمی‌گیرد. به عبارت بهتر، قدرت از این منظر حادثه‌ای است که رخ می‌دهد و پایان می‌پذیرد تا حادثه‌ای دیگر و اعمال قدرتی دیگر یعنی در فاصله دو حادثه چیزی به نام رابطه قدرت وجود عینی نخواهد داشت. این نظریه از وجود سازمانها و ساختارهایی مانند دولت که در ذات خود مبتنی بر قدرت هستند غفلت می‌ورزند. در واقع، تکوین دولت مسبوق به تجمیع قدرت در این ساختار در وهله نخست و نشر و اعمال آن در فرایندها و ساحت‌های بعدی است. البته اگر هابز را به عنوان بنیان‌گذار الگوی قدرت رخدادی - عملیاتی به شمار آوریم، می‌توان گفت خود استقرار لویاتان به عنوان منبع انباشت قدرت پراکنده افراد در وضع طبیعی موجب استمرار و ساخت یابی قدرت فارغ از رخدادهای اعمال آن می‌شود. اما سخن این است که این الگو ناتوان از تبیین نفوذ قدرت در ژرفای حیات و روابط اجتماعی صرفاً به دنبال رویکرد رابطه قدرت در رخدادهای خاص و مشهود است.

الگوی دوم برای قدرت فارغ از رخدادهای خاص وجه عمیق تری قابل است و در آن بازیگران فرادست به تعبیر تصویری از قدرت خود در ذهن بازیگران فرودست می‌پروراند که فرودستان در موقعیتهای و موضوعات مورد منازعه با استناد به آن تصور و تصویر مشخص از پیگیری منافع خود از طریق رویارویی با جناح فرادست خودداری می‌ورزند. در واقع، این الگو متضمن کاربست و اجرای قدرت قبل از وقوع واقعه یا رخداد خاص است.

نوع سوم قدرت که از سوی نخبه‌گرایان مطرح و توسط ایدئولوژی ثابت و محکم پشتوانه یافته است، ناظر به تبیین اجرا و اعمال قدرت از ژرف‌ترین وجه آن است. در این الگو چنین استدلال می‌شود که صاحبان قدرت با به کار گرفتن انواع ابزارهای ایدئولوژیک حقانیت رعایت خود را به صورت تام و رادیکال به فرد القا نمایند به گونه‌ای که فرد هرگز تصور یا احساسی از برقراری رابطه قدرت از سوی قدرتمندان با خود نکند. قدرت در این الگو در ژرفای روح و روان ابژه قدرت رسوخ می‌یابد. به عبارت بهتر، قدرت در این الگو به دستکاری روح انسانها می‌پردازد که توان تحلیل و نقد قدرت و روابط مبتنی بر آن را از دست می‌دهند.

در روایتی دیگر، جوزف نای به گونه‌شناسی دیگری از قدرت پرداخته است که می‌توان آن را تعبیری دیگر از گونه‌شناسی‌های فوق دانست؛ یعنی قدرت سخت و قدرت نرم. از دیدگاه وی، قدرت سخت، قدرت مبتنی بر کاربرد ابزار خشونت بار یا اجبار است. اما در مقابل قدرت نرم قرار دارد که عبارت است از قابلیت یک مجموعه سیاسی برای نفوذ غیرمستقیم بر رفتار یا علایق سایر بازیگران سیاسی با استفاده از ابزارهای فرهنگی یا ایدئولوژیکی.^۹ مصداق یا حامل قدرت نرم آن چیزی است که واجد قابلیت ایجاد تصور یا احساس مساعد و مثبت نسبت به فرادستی، تصمیمات و مواضع صاحبان قدرت است؛ از جمله فرهنگ، ایدئولوژی، آموزش، جامعه‌پذیری و ... ضمن اینکه عرصه اعمال کارسازی قدرت نرم، رسانه‌ها، افکار عمومی، جامعه مدنی، دانشگاهها و ... را در بر می‌گیرد. به کلامی، قدرت نرم هم ارز با نوع دوم و سوم قدرت از گونه‌شناسی اول است. مثلاً قدرت نرم می‌تواند هم زمان واجد ارایه دو تصویر از منبع قدرت باشد. برای مثال، کشور «الف» برای پیشبرد مقاصد خود در برابر کشور «ب» در یک سطح می‌تواند به جای اثبات توانمندی خود در استفاده از ابزار اجبار، تصویری از خود به ذهن کشور و جامعه «ب» القا نماید به شکلی که ظرفیت مقاومت خود را در شرایط

تنگنا از دست بدهد؛ مثلاً در جنگ عراق، آمریکا با راه اندازی یک جنگ روانی سهمگین ارتش عراق را از پیش دچار تسلیم کرده بود، به گونه ای که کمترین مقاومتی از خود نشان ندادند. با این همه، در سطحی عمیق همین قدرت می تواند از خود تصویر یک نیروی نجات بخش و خیر خواه ارایه دهد به گونه ای که در درون جامعه «هدف» مورد استقبال قرار گیرد.

در واقع، قدرت نرم متضمن توانایی یا اهتمام به شکل دادن به توضیحات دیگران است که لازمه آن از یک سو توجه به مطلوبیت ها خواسته ها و اشتیاق های جامعه ای است که هدف قرار می گیرد و از سوی دیگر ارایه وضعیتی ایده آل برای جامعه است که هدف خود را بر اساس ارزشها و فرهنگ خودی متجلی می کند. بدین ترتیب، ایجاد جذابیت برای فرهنگ خودی به الگویی معتبر و معنابخش در زندگی مردم تبدیل شده و در نهایت هدف قرار می گیرد. البته کاربست و اجرای قدرت نرم همانند پیوستار (طیفی) است که از نوع ضعیف تا قوی می تواند حاکم باشد و بین این دو حالت افراطی انواع متوسط قرار دارند.

قوی متوسط ضعیف

معیار متغیر از مقدار ضعیف به قوی در قدرت نرم به پیشرفت در امکان پذیری تبدیل نظام ارزشی و ترجیحات جامعه خودی به منبع معتبر معنابخش جامعه مورد هدف بستگی دارد. اما در شرایط ضعیف صرفاً تحریک ارزشهای معتبر و مورد وفاق جامعه مورد هدف برای فراهم سازی پشتیبانی عمومی از اهداف جامعه خودی موضوعیت می یابد. بر این اساس، باور این مقاله بر این است که جامعه فلسطین در راستای پیشبرد اهداف مشروع خود باید بر فعالیت مدنی به عنوان مصداقی از ابزار قدرت نرم تمرکز ورزد و از توسل به حربه هایی چون عملیات خشونت بار تا سر حد ممکن پرهیز نماید. فعالیت مدنی از یک سو موجب تقویت توانایی ایجاد اجماع و وفاق در میان فلسطینی ها می شود و از سوی دیگر، در درجه نخست باعث می شود که دولت اسرائیل ظرفیت سرکوب خشونت آمیز حرکت فلسطینی را به مقدار زیاد از دست بدهد؛ هم چنان که به جذب افکار عمومی صلح طلب فعال در جامعه اسرائیل پرداخته و از این طریق موجب برانگیختن فشار داخلی علیه دولت اسرائیل شود و در درجه دوم حرکت و مقاومت مدنی جامعه فلسطینی به شرط تعبیر راهبردهای دقیق رسانه ای و ارتباطی با ایجاد رابطه با سازمانهای مدنی در کشورهای مختلف جهان بتواند ضمن همراه ساختن

افکار عمومی بین المللی موجبات در تنگنا قرار دادن دولت اسرائیل و دولتهای حامی آن را فراهم آورد. البته پسوندهای جدیدی نیز برای قدرت مطرح است مانند قدرت هوشمند و قدرت سردرگم. باید توجه داشت که قدرت هوشمند یا کاربرد هوشمندانه قدرت متضمن ساماندهی راهبرد قدرت بر اساس امکانات و توانمندیهای خود و میزان اثربخشی و کارآمدی آن در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی است که می توان گفت تأکید و تمرکز بر کارسازی، فعالیت و مقاومت مدنی از سوی جامعه فلسطینی مناسب ترین رهیافت و نشانه اجرای قدرت هوشمند در راستای احقاق حقوق ملت فلسطین است.

حوادث اخیر در منطقه خودگردان فلسطین که به انحلال دولت هنیه و درگیری مسلحانه میان دو گروه حماس و فتح انجامید، بیانگر ضعف جدید تواناییهای مدنی جامعه فلسطینی به ویژه در سطوح داخلی است و در این شرایط اگر هم جامعه فلسطین از منبع قدرتی برخوردار باشد به واسطه فقدان تدبیر، برنامه و راهبرد مناسب و واقع بینانه در کاربرد آن به مصداق قدرت سردرگم تبدیل می شود.^{۱۰} در عمل قدرت فقط تولید کننده تنفر است و قدرت را با قدرت پاسخ دادن نتیجه ای جز توسعه قدرت نخواهد داشت. آسمان قدرت کنترل نشده، آسمانی بی ستاره و احتمالاً یک کسوف و تاریکی مطلق در پی خواهد داشت. تاریکی نمی تواند، تاریکی را برطرف کند، چون اصلاً وجود خارجی ندارد. آنچه که هست، روشنایی است. نفرت برطرف کننده نفرت نیست، فقط عشق است که قادر به محو نفرت می باشد.

مقاومت و پایداری بدون استفاده از ابزار زور

پایداری به معنای مقاومت بدون خشونت زمانی مطرح می شود که ملتی از راههای گوناگون مانند مقاومت منفی و یا از راه ارتباطات جمعی و جهانی خواست و مظلومیت خود را نشان داده و با کمکهای جهانی و یا خودی روندی صلح آمیز به سوی هدف بر دارد. پایداری بدون زور در اسرائیل تفاوتی با پایداری بدون زور در سرزمینهای اشغالی فلسطین دارد. بر اساس ساختار دولت اسرائیل یک نوع جامعه مدنی شکل گرفته است که نوعی اشتراک اجتماعی^{۱۱} را پایه ریزی کرده است و احزاب سیاسی، مشارکت و دیگر مؤلفه های دموکراسی را به نوعی گسترش داده است که در مواقع خاص، نفوذ سنت، عوامل ضد دموکراتیک باقی

مانده و گاه اقتدارگرا را در نطفه خود داراست و در یک کلام، نظام اسرائیل تصویرگر جامعه و حکومتی است که از داخل با تضاد و دوگانگی روبه‌رو است.^{۱۲} به کلام دیگر، در اسرائیل دو جامعه مدنی مترادف و در عین حال مقابل یکدیگر رشد و تکامل پیدا کرده‌اند. یعنی جامعه مدنی عربی و جامعه مدنی یهودی که جامعه مدنی یهودی خود به دوزیر مجموعه یهودی فلسطینی و یهودی مهاجر تقسیم می‌شود.

۲۰ درصد از کل جمعیت اسرائیل را شهروندان اسرائیلی تشکیل می‌دهند که دارای ملیت فلسطینی هستند.^{۱۳} تأثیر این مطلب به شکل مستقیم در حضور آنان در انجمنها و سازمانهایی که اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در رابطه با صلح و هم‌زیستی (که البته مورد تأیید طرفین نیز می‌باشد) در آن فعالیت دارند. به عبارت دیگر، گفتمان بین فلسطینی‌ها با شهروندان اسرائیلی و فلسطینیانی که در سرزمینهای اشغالی و تحت ستم زندگی می‌کنند، متفاوت است و همین خود یکی از بزرگ‌ترین مشکلات عمده دستیابی به صلح در اسرائیل و فلسطین شده است؛ به همین جهت هم سعی بر این بود که در مذاکرات صلح اسلو، سازمانها و نهادهای غیرنظامی داشته باشد تا شاید نتیجه‌ای بهتر به دست آید.^{۱۴}

در نشست ۱ و ۲ اسلو تلاش شد تا حضور بیشتری در کنار سازمانهای حقوق بشر فلسطینی - عربی مانند اتحادیه ۱۵۴۰ و یا اتحادیه عرب برای حقوق بشر^{۱۶} و یا حتی انجمنهای جدیدی مانند عدله^{۱۷} و مرکز جایگزین اطلاعات^{۱۸} که تمرکز روی نیازها و خواستههای حقوقی و سیاسی نمایندگان اقلیت عرب در اسرائیل بود، تا جو حاکم بر نشست بیشتر آماری - سیاسی شود. علاوه بر اینها می‌توان سازمان «بیرم» را افزود.^{۱۹} این سازمانها و گروهها همگی به دنبال حقوق از دست رفته فلسطینی‌ها می‌باشند که به ویژه در بازداشتگاههای اسرائیل دست به اعتصاب غذا می‌زنند.^{۲۰} امروزه یک طیف از سازمانهای صلح جو از قدیمی‌ترین آن گرفته یعنی «صلح هم اکنون»^{۲۱} تا «زیر نام من هرگز»^{۲۲} همگی یک هدف را دنبال می‌کنند، یعنی خاتمه دادن به اشغال فلسطین از راههای صلح‌آمیز.^{۲۳} از جمله این اقدامات تبلیغ در مورد تحریم محصولات اسرائیلی در مناطق اشغالی و نیز تظاهرات جهت جلوگیری از ادامه ساخت دیوار حایل و ساخت دهکده‌های جدید یهودی نشین است. البته گروههای صلح دیگری نیز در فلسطین وجود دارند که بیشتر حال رقت بار

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

اجتماعی و انسانی در سرزمینهای اسرائیل توجه دارند. در بعد آموزشی «مرکز بین المللی امید به صلح»^{۲۴} و نهاد آدم^{۲۵} فعال می باشند. هدف و عمل این مراکز بر گسترش دموکراسی و برنامه های انعطاف پذیری از هر دو سو متمرکز است. سمینارها و کارگاههای آموزشی که نوجوانان و جوانان فلسطینی و اسرائیلی برگزار می کنند، تلاش دارد تا یک مشارکت عمومی و زندگی دوستانه برای همه ایجاد شود و لزوم کنترل و آگاهی ویژه ناظران حقوق بشر را درباره وضع مصیبت بار نقاط کنترل ترددی و رفت و آمد مرزی تا حد ممکن کاهش و چه بسا رفع کنند. اگر چه نقاط کنترل به وسیله پلیس و سربازان اسرائیلی مراقبت می شود، حامیان حقوق بشر بر آن نظارت داشته و گزارشهای هفتگی ارایه می دهند، اگر چه روند عادی و خوشی ندارد. در رابطه با مخالفان جنگ و فراریان از نظام وظیفه اجباری و جنگیدن با فلسطینی ها و مجازاتها مرتبط با با سازمانهای خاصی حقوق بشر به وجود آمده اند که مهمترین آنها عبارتند از: گروه بیش، شهامت نه گفتن^{۲۶}

و از همه مهمتر سازمان همبستگی که دانشجویان و حتی دانش آموزان دبیرستانی را به صف مخالفان جنگ در سرزمینهای اشغالی تحریک می کند.

باید توجه داشت که سرباز زدن از خدمت وظیفه عمومی امروزه به یک نوع سرپیچی مدنی تبدیل شده است. در اسرائیل تمام کسانی که منشاء خالص اسرائیلی یا عرب اسرائیلی ندارند، موظف به گذراندن دوره نظام اجباری و پس از آن دوران ضرورت و احتیاط هستند. آنان موظف هستند پس از گذراندن دوره آموزش (مردان ۳ سال و زنان ۲ سال) هر سال به مدت یک ماه به عنوان نیروی احتیاط در ارتش اسرائیل (که همگانی است) بازسازی و نوسازی شوند تا بدین ترتیب همواره تعداد افراد ارتش در بیشترین تعداد ممکن باقی بماند. بدین ترتیب، دیگر حقی برای خودداری و یا کاری به جای آن (مانند کشورهای چوچون آلمان که افراد می توانند در بیمارستانها، خانه سالمندان، آتش نشانی یا کلیسا دوران خدمت را بگذرانند) مجاز نمی باشد. تقریباً از ۴ سال پیش که حدود ۵۰ سرباز احتیاط از جنگ در سرزمینهای اشغالی سرباز زدند، طرفداران ضد جنگ و خودداری از عضویت در ارتش رو به افزایش است. براساس اطلاعات و آمار مدیران گروه شهامت نه گفتن، از زمان انتفاضه در سال ۲۰۰۰ میلادی تا سال ۲۰۰۴ بیش از ۲۵۰ نفر به علت خودداری از عضویت در ارتش

اسرائیل در زندانها به سر می‌برند.^{۲۷} در رابطه با جنبش زنان نیز بیش از ۹۰ سازمان در اسرائیل بنیاد گذارده شده است که بخش زیادی از فعالیتهای آنان در رابطه با مشکلات و مسایل اسرائیلی- فلسطینی است، به ویژه در رابطه با وضعیتی که در سرزمینهای اشغالی وجود دارد.^{۲۸} از آن جمله سازمان (Bat Shalom) که با سازمان زنان فلسطینی، (Jerusalem Wemen for Peace) که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و آن نیز موجب تأسیس اتحادیه اورشلیم (Jerusalem-Link) در سال بعد شد، و نیز انجمنهای بسیار دیگری مانند (Fifth Mother) که سازمانی است از بطن جنبش (Four Mother) و نقش مهمی در رابطه با خاتمه دادن اشغال اسرائیل در سرزمینهای لبنان به عهده دارد؛ و سازمانهای (Machsom Watch) و (Neled) که در حقیقت سازمانهایی مربوط به زنان اسرائیلی و فلسطینی که در دو طرف خط سبز قرار دارند. در این زمینه می‌توان به «جنبش جدید برای تمدن جامعه اسرائیلی»^{۲۹} که به مسئله جامعه نظامی گری اسرائیل به عنوان همه در خدمت ارتش می‌پردازند و مجله «ژورنال زنانه نوگا»^{۳۰} که یک مجله خبری درباره تجزیه و تحلیل مسایل خاص زنان است، اشاره کرد. بر اینها باید سازمان (TANDI) که یک جنبش زنان دموکراتیک یهودی و فلسطینی و شهروندان اسرائیل است و سازمان (WILPF) که یک شاخه اسرائیلی از اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی است، و (Womenin Black) که حدود ۱۷ سال است هر جمعه با پوشش کامل سیاه در چهارراههای اصلی شهر به تبلیغات هشدار دهنده برای پایان دادن به اشغال می‌پردازند. تمامی این سازمانها که در اصل ۹ سازمان پایه‌ای می‌باشند، در حقیقت موسس سازمان ائتلافی زنان صلح جو^{۳۱} هستند که در سال ۲۰۰۰ تأسیس شد و بدون استثنا از زنان اسرائیلی و فلسطینی شکل گرفته است. بعضی از اصول کلی این سازمانها بر بازگشت فراریان جنگ ۱۹۴۸ و به ویژه احقاق حق تمام کسانی که در اسرائیل زندگی می‌کنند- بدون در نظر گرفتن جنسیت و برابری و عدالت برای شهروندان فلسطینی و اسرائیلی و از همه مهمتر مخالفت با نظامی‌گری، متمرکز شده است و تنها راه را در پایان به اشغال سرزمینهای فلسطینی‌ها می‌بیند.

تمام سازمانهایی که نام برده شد، در یک مطلب با هم کاملاً هم عقیده می‌باشند و آن اینکه برای به دست آمدن صلحی پایدار، باید دو ملت فلسطین یعنی یهود و مسلمان در

جامعه ای دموکراتیک به شکلی زندگی کنند که هر یک ضمن حفظ سنتها و باورهای خود، به دیگری و عقایدش احترام بگذارد. آخرین گروهی که در این اواخر برای هم زیستی مسالمت آمیز ملت فلسطینی - یهودی تلاش بسیار کرده، سازمان (Taayush-Arab Jewish Partnership) است که در اقدامات آنها همواره اعراب و یهودیان اسرائیلی به طور مشترک سهیم اند.^{۳۲} نتیجه عملی این اقدامات را می توان در ساخت زمینهای بازی در دهکده هایی که اسرائیل آنها را به رسمیت نمی شناسد، و تظاهرات مبارزات برای جلوگیری از ساخت دیوار حایل دید که دیدگاههای نوینی را در روند مقاومت های غیرنظامی در اسرائیل و به تصویر می کشد؛ این مقاومت های بدون خشونت و پیشنهاد های مسالمت آمیز باید ابزاری برای خروج از سرزمینهای اشغالی و پایان دادن به خشونت باشد. مسئله مهمی که در رابطه با مشکل فلسطین و اسرائیل باید در نظر گرفت، این است که مقاومت آنان فقط در پایان دادن به اشغال سرزمینها و به دست آوردن خانه های خود خلاصه نمی شود. بلکه آنان هم زمان خواهان استقلال دولت ملی و تصمیم گیری سیاسی و آزادی به عنوان یک ملت مستقل نیز هستند و برای آن مبارزه می کنند. و همین نکته است که زندگی مسالمت آمیز دو ملت در یک کشور را مورد سؤال قرار می دهد.

تا زمانی که دو سوم از ملت فلسطین بر این اعتقاد باشند که مبارزه مسلحانه تنها راه باز پس گرفتن حقوق از دست رفته و ملی آنان است، بر پیچیدگی مسئله افزوده می شود. چون طبق همه پرسی که توسط «مرکز بررسی تحقیقات و سیاست» در سال ۲۰۰۴ در فلسطین برگزار شد، ۸۷ درصد از ملت فلسطین بر حملات مسلحانه به ارتش اسرائیل و ۸۶ درصد مخالف مهاجران و ۵۳ درصد خواهان حملات مسلحانه بر علیه غیرنظامیان اسرائیلی بودند.^{۳۳} با این حال می توان و راه و روش دیگری را نیز در نظر گرفت که شاید نتیجه دیگری به دست دهد؛ روشی بدون خشونت ولی با هدف کسب استقلال ملی؛ به عبارت دیگر، پایداری و مقاومت با ابزارهای قانونی که از پشتیبانی قدرتهای بزرگ چه به صورت کمی یا کیفی برخوردار شد. (مثلاً پشتیبانی همه یا اکثریت مسلمانان که در صورت وحدت، قدرتی بزرگ محسوب می شوند). در این رابطه نتیجه تحقیق آماری از نظر فلسطینی ها به این صورت بوده است که ۷۳ تا ۹۲ درصد آنان (البته با در نظر گرفتن نحوه و روش اعتراض) به

مقاومت بدون خشونت رضایت داده اند.^{۳۴} اگر خوب دقت کنیم فلسطینی‌ها همه روزه سعی در اعمال بدون خشونت همراه با مقاومت را تجربه می‌کنند، چنان که به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند. تنها مقاومت منفی و بدون خشونت استمرار دارد که ساختار اشغالگران را متحول و تقریباً تا حدود زیادی بی‌اثر می‌کند. چون انسانها همواره ساختمانهای تخریب شده خود را از نو می‌سازند، موانع ایجاد شده در خیابانها را با دستهای خالی به کنار زده و جمع آوری می‌کنند، در خانه‌های خود می‌مانند و آن را ترک نمی‌کنند و با وجود تحدیدها و فشارها و شکنجه‌ها و اشکال تراشی‌های اسرائیل، همچنان به زندگی و اعتراض ادامه می‌دهند. طبق گفته نخست وزیر فلسطین در ملاقاتش با خانم آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در برلین هنوز حدود ۱۰ هزار زندانی فلسطینی در بند در زندانهای اسرائیل به سر می‌برند که از وضعیت خوبی هم برخوردار نمی‌باشند.^{۳۵} با این همه، اگر چنین اعمال پایداری به طور روزمره در یک دورنمای مقاومت کم کم به خواب رفته و خستگی عارض شود، آنگاه به یک احساس ناتوانی و ضعف تبدیل خواهد شد؛ در حالی که بعضی از پژوهشگران مشکلات فلسطین، مقاومت منفی و استقامت بدون ابزار قدرت و زور را به طور مداوم و خستگی ناپذیر نوعی نیرومندی می‌دانند که سرانجام به احقاق حق منتهی خواهد شد. مثلاً خانم نویسیابه که از بنیان‌گذاران نهضت (MEND)^{۳۶} است، عقیده دارد که قدرت خفته‌ای در استقامت وجود دارد که تصمیمات عقلانی را با وجود هرگونه مانعی از میان بر می‌دارد.^{۳۷} ضمناً کوششهای بسیاری در همین رابطه به صورت فضاهای سازمان یافته با اهداف مقاومت بدون خشونت انجام گرفته؛ مانند سازمانهای موثری چون «مرکز فلسطینی برای صلح و دموکراسی»^{۳۸} که اگر چه یک سازمان غیردولتی است، ولی برای نقش سیاسی زنان بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ فعال بود. سازمان (PENGON) که یک سازمان غیردولتی است، اگر چه در مرحله نخست به مسایل محیط زیست پرداخته، به عملکرد اشغالگران اسرائیلی در رابطه با مصادره کردن سرزمین، ساختن پایگاه، تخریب کشاورزی و به ویژه استفاده غیر معقول زمین و قطع بسیاری از درختان، تحدید منابع آب و آلوده کردن آبهای زیر زمینی توسط شهرکهای مهاجر نشین و مبارزه مسالمت آمیز پرداخته است.^{۳۹}

در حوزه تعلیم و تربیت (Pedagogik) سازمان (MEND) در سال ۱۹۹۸ در شرق

اورشلیم به عنوان یک نهاد آموزش و پرورش برای دانش آموزان، معلمان و خانواده‌ها به‌ویژه با شعار دموکراسی و خشونت‌ستیزی شکل گرفته و شروع به کار کرد. بعد دیگر فعالیت‌های (MEND) به کارگیری ابزارهای بهتر تعلیماتی برای توافق بهتر بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها است. یکی از قدیمی‌ترین سازمانهای حقوق بشر در مناطق اشغالی، «الحق» است که در سال ۱۹۷۹ توسط وکلای دعوای فلسطینی بنیان گذاشته شد و محور اصلی کار آنها تجزیه و تحلیل حقوق بشر در مناطق اشغالی است. محدوده فعالیت آنها امروزه گسترده‌تر نیز شده است، به گونه‌ای که وظیفه اصلی آنها نظارت و استناد به حقایقی است که حقوق بشر را در سرزمینهای فلسطینی نادیده می‌گیرد و در همین رابطه به انتشار اخبار و تجزیه و تحلیل‌های مقالات با عناوین حقوق بشر برای دادگاههای فلسطینی و دادگاههای بین‌المللی با یک کتابخانه مجهز در راه صلح و حق فعالیت می‌کند. در سال ۱۹۹۶ گروه دیگری تقریباً به همین شکل به نام (PHRMG)^{۴۰} ایجاد شد که روند و اهداف آن تا حدودی مشابه «الحق» بود. «آدامیر»^{۴۱} سازمانی دیگر بود که از سال ۱۹۹۲ با سازمان جهانی حقوق بشر و زیرمجموعه‌های آن مانند «عفو بین‌الملل»^{۴۲} و «نگهبان حقوق بشر»^{۴۳} همکاری نزدیک داشت. کار دیگر این سازمان، ثبت و جمع‌آوری اسناد مربوط به آمارهای موجود درباره تعداد دستگیرشدگان در زندانها و محل و تاریخ دستگیری و انتشار این آمار و مدارک در وب سایتها است.

مرکز زنان اورشلیم^{۴۴} که در حقیقت خواهر خوانده فلسطینی (Bat Shaloms) است، دفتر خود را از سال ۱۹۹۴ در اورشلیم شرقی بنا نموده و کارهایی مشابه «نگهبان حقوق بشر» دارد. خانم سمیه فرهنگ ناصر، رییس مرکز زنان اورشلیم در این باره می‌گوید: «هر دو طرف سعی دارند با استقلال و آزادی به اهداف خود جامه عمل بپوشانند، بدون اینکه قرار باشد مورد تأیید طرف دیگری قرار گرفته یا مجبور به واگذاری امتیازاتی به طرف مقابل باشند. به عبارت دیگر، هر دو طرف فلسطینی و اسرائیلی تلاش در عینیت بخشیدن به سیاست و فرهنگ خود دارند.» خانم فرهنگ می‌گوید، زمانی اهداف ما عینیت پیدا می‌کند که در کنار و در برابر یکدیگر زندگی کنیم و در حالی که یکی هم نیستیم حقوق طرف مقابل را به رسمیت بشناسیم. اگر این تفاوتها در فرهنگ و باورها واقعیت پیدا نکند، آن وقت است که تفاهمها به

سوءتفاهم تبدیل شده و اختلافات حل نمی شود و نتیجه جز مشکلات فزاینده برای طرفین چیزی نخواهد بود.^{۴۵}

یکی از چهره های شاخص که در روند صلح با ابزار اعتراض و استدلال به صورت غیر دولتی ولی رسمی نقش رهبری را در جامعه فلسطین دارد، دکتر مصطفی برقوتی (Barghouti)^{۴۶} است که در هیأت صلح مادرید در سال ۱۹۹۱ بسیار موثر بود. اوربیس بزرگ ترین سازمان پزشکی (UPMRC) در سرزمینهای فلسطینی است که به کمک بسیاری از سازمانهای دولتی و غیردولتی تقریباً یک سوم فلسطینی ها را در ۴۳۵ بخشداریهایی فلسطینی کمک رسانی پزشکی می نماید. (UPMRC)^{۴۷} یک سازمان غیردولتی ولی بنیادی و مورد احترام و قبول ملت فلسطین است که با پزشکان بی طرف اسرائیلی برای حقوق بشر (PHR) در تهیه لوازم کمک پزشکی همکاری دارد. این همکاری در دهه پایانی میلادی قرن بیستم خود یکی از نشانه های هم زیستی مسالمت آمیز در جهت اقدامات مخالف با زور و کشمکش های طولانی و بی نتیجه دو طرف است.

تکوین و رشد واقعی^{۴۸}

یکی از ویژگیهای بارز مقاومت نوین در فلسطین، همکاری میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها است که باید آن را شکلی از اعتراض و مبارزه نامسلح مدنی دانست، یعنی انتفاضه^{۴۹} که فلسطینی ها در واکنش به جداسازی دو بخش از فلسطین به وسیله دیوار، بدون خشونت به اعتراض خود ادامه دادند، با این وجود، صدها فلسطینی تعدادی اسرائیلی که با ایجاد دیوار مخالف بودند، کشته و مجروح شدند و بر جمع کشته و مجروح شدگان افزود. این قیام مدنی در مخالفت با ساخت دیوار حایل که دو ملت فلسطین و اسرائیل را از هم جدا می ساخت، در حقیقت نتیجه یک عملیات نژادپرستانه و صهیونیستی^{۵۰} بود که در دوم اکتبر ۲۰۰۲ در گردهمایی اعضای (PENGON) که پیشتر به آن اشاره شد، به تصمیماتی جدید انجامید. به عبارت دیگر، اعضای پنگون برای حفظ جان صدها هزار خانوار در حاشیه غربی که به خاطر ساخت دیوار آسیب دیده و یا حتی آواره شده بودند، به کمک بسیاری از سازمانهای غیردولتی به جمع آوری اطلاعات و اسناد و مدارک مستدل پرداخت تا بدین وسیله

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

از اقدامات بیشتر اسرائیل و شارون در ساخت دیوار جلوگیری به عمل آید. نتیجه عملی این عملیات تاکنون تنها انتشار یک آرشيو عکس، بیش از صد عنوان مقاله و نمایشگاههای سیاری است که در شهرهای گوناگون در ساحل غربی و نوار غزه و همچنین در خارج از فلسطین انتشار یافته، است.

این عملیات یا بهتر بگوییم اقدامات و مبارزات تبلیغاتی باعث شد تا بسیاری از سازمانهای صلح طلب اسرائیلی مانند (Gush Shalom) و (ICAHAD)^{۵۱} به هم نزدیک و متصل شوند.^{۵۲} در همین رابطه، مأموریت کلیه سازمانهای حقوق بشر و صلح در اسرائیل و سرزمینهای فلسطینی را که در اشکال گوناگون تظاهرات، ساخت دیوار را محکوم می کنند، باید مدیون و نتیجه وضعیت مظلومانه و رقت بار فلسطینی ها در اذهان جامعه بین المللی است که فلسطینی ها خود جزی از آنند. اعتراضات بدون خشونت فلسطینی ها را می توان در سال ۲۰۰۲ دیگر که حدود ۵۰ دهکده مهاجر نشین غیرقانونی در حاشیه غربی ساخته شد. مخالفان این نوع اردوگاهها یا شهرکها در اسرائیل به وسیله یک جرثقیلی یک کانتینر مهاجر نشین^{۳۵} را در نزدیکی رام الله از جا کردند و در کنار وزارت جنگ اسرائیل قرار دادند. این عمل در حقیقت عملی^{۵۴} مسالمت آمیز و اکنشی به ساخت دهکده های غیرقانونی مهاجر - یهودی در سرزمینهای اشغالی بود. به عبارت دیگر، آنها می خواستند به افکار عمومی اسرائیل خاطر نشان کنند که بعضی از اعمال بدون راهکارهای خشونت آمیز، و معامله و چانه زنی امکان پذیر است.^{۵۵} همین عملیات تأثیر گذار بر افکار عمومی منطقه و جهان موجب شد تا در نهم جولای ۲۰۰۴ دادگاه بین المللی لاهه ساخت دیوار را غیر قانونی و برخلاف قوانین بین الملل اعلام نماید. در ادامه هیمن روند، بار دیگر در بیستم جولای همان سال، مجمع عمومی سازمان ملل رأی دیوان را تأیید و به صورت قطعنامه اعلام کرد. یک ماه بعد از این دو واقعه مهم، با مخالفان نژادپرست و مبارزه با دیوار^{۵۶} با دعوت یک سازمان فلسطینی، دکتر آرون گاندی،^{۵۷} نوه مهاتما گاندی سمبل مقاومت منفی و بدون خشونت، سخنرانی موثری درباره مقاومت منفی و بدون خشونت تا پیروزی در مناطق اشغال ایراد کرد. بدین وسیله بحث و گفت و گویی گسترده نه تنها در جامعه فلسطینی، بلکه میان اسرائیلی ها و روشنفکران عرب در رسانه ها و تلویزیون اعراب مطرح شد و مسایل را از نظر حساسیت به روز

نمود. در همین زمان اعمال غیرانسانی در زندان ابوقریب، حدود ۷۵۰۰ فلسطینی در بند در زندانهای اسراییل دست به اعتصاب غذا زدند و خواستار وضعیت انسانی تر در زندانهای اسراییل شدند. سه هفته اعتصاب، سرانجام با اجازه استفاده از تلفن، برداشتن دیوارهای شیشه‌ای بین زندانیان و ملاقات کنندگان آنان و چشم‌پوشی از بازرسی بدنی توهین آمیز و مشمئز کننده به نتیجه رسید. در چهارمین سالگرد انتفاضه در ۲۵ سپتامبر، انجمنها و سازمانها و گروههای گوناگونی دست به تظاهرات و پخش اعلامیه‌ها به شکلی گسترده پرداختند؛ برای مثال، مردم اتریش، آلمان و ایالات متحده با مقاومت منفی و مسالمت آمیز و بدون خشونت فلسطینی‌ها هم صدا شدند. در آلمان تظاهر کنندگان از دولت می‌خواستند همراه اتحادیه اروپا بر اسراییل فشار وارد آورد تا اسراییل سرزمینهای اشغالی را تخلیه کند و افزون بر آن، از صدور تسلیحات نظامی به اسراییل خودداری شود و حتی مجازاتهایی علیه سیاستهای اسراییل در رابطه با ساخت دیوار وضع نمایند. در حال حاضر نیز گروههای بسیاری در اسراییل در مخالفت با ساخت دیوار فعالیت دارند. «Bat Shalom» با همکاری گروهی از سازمانهای غیردولتی و انجمنهای طرفدار صلح در چهارم و پنجم اکتبر ۲۰۰۴ دست به ایجاد یک چادر صلح زدند، به صورتی که ورود به آن برای همگان آزاد بود. همراه یک کارگاه کاری،^{۵۸} عناوینی چون کنترل مرزی،^{۵۹} بودجه اسراییل، همیشه حق با دولت است؟، نژادپرستی، اشغال به ضرر همه ما است و چرا ما هنوز به این زندگی تمایل داریم؟، چگونه می‌توان موانع روانی را از بین زنان فلسطینی و اسراییلی زدود؟ و یا اینکه از اکتبر ۲۰۰۰ چه بر سر ما آمده است؟، همگی عناوین مباحث و سمینارها و گفتمانهای پرشمار برای صلح بودند. جنبش همبستگی بین المللی^{۶۰} که یک سازمان غیردولتی است و وظیفه آن مربوط به عملیات بین المللی فلسطینیان می‌شود،^{۶۱} در ابتدای سال ۲۰۰۴ ندای شرکت در مزارع زیتون را جهت همکاری و برداشت محصول داد. باید توجه داشت که زیتون در فرهنگ فلسطین سمبل حیات، غذا، خوشبختی و زندگی است. محصول زیتون برای بسیاری از روستاییان فلسطین، سبب غذا است و در بسیاری از بخشهای فلسطین مفهوم ادامه حیات را دارد. در حالی که در نتیجه جلوگیری از رفت و آمد و مشکل سازی اقتصادی در مزارع زیتون، تولیدات کشاورزی به ویژه در ۸ سال گذشته به طور فزاینده و رقت باری کاهش یافته است.^{۶۲}

روند دیوارسازی نتایجی به مراتب بیشتر از جدایی صرف خویشاوندان فلسطینی از یکدیگر دارد. جدایی مزارع زیتون از صاحبان آن که در حقیقت اقتصاد این ملت را به نابودی کشانده است، شرایط را برای درگیری و حملات اسرائیل به روستاییان و زنان و بچه‌ها و متعلقات آنان افزایش داده و کشتزارها را تخریب نموده است. در یک کلام، صفحه تاریک و رقت بار و تأسف انگیزی را روی قسمت کوچکی از کره ارض به نام فلسطین به نمایش گذاشته است. به یقین، محصول زیتون را نیز تقریباً ناممکن ساخته است. به هر حال این اعمال خشونت‌آمیز نتیجه‌ای جز مقابله به مثل ندارد. در روز سه‌شنبه ۳۰ ژانویه ۲۰۰۷، برابر با عاشورای حسینی روزنامه استرالیایی تایمز در سرمقاله خود خبر از حمله انتحاری و شهادت طلبانه در فلسطین تحت اشغال اسرائیل در برای با توقف ساخت دیوار داد و اعلام کرد که این گونه اعمال خشونت‌آمیز نتیجه اعمال زور و خشونت اسرائیل است. حضور عناصر بین‌المللی و کمک آزاد اشخاص و به ویژه سازمان (ISM)، همه سعی در جلوگیری از تخریب مزارع زیتون برای حفظ حیات منافع روستاییان فلسطینی دارد. اقدامات ذکر شده به مراتب بیش از مطالبی است که گفته شد، با این حال کمتر به صورت ملموس دیده می‌شود؛ زیرا بیشتر زیان دیدگان و مردم، هر اقدامی را به آسانی باور ندارند و آن را تصویری از خشونت و پایمال شدن حق خود تلقی می‌کنند. به همین جهت، از واقعیت وقایع مثبت یا منفی که در فلسطین و سرزمینهای اشغالی می‌گذرد، کاملاً آگاه نمی‌شوند. در سال ۲۰۰۴ حدود ۵۰۰ گروه و انجمن^{۶۳} فعال با ۲۰۰۰ سکنه برای ادای احترام و قدردانی از مهمان والا مرتبه خود یعنی گاندی در دهکده فلسطینی ابوریس^{۶۴} گرد هم آمدند و دو هفته بعد یعنی در سیزدهم سپتامبر با تظاهرات چند هزار نفری فلسطینیان همراه با بچه‌های خود در «آرم روبه رو هستیم که دیوار»^{۶۵} راه مدرسه آنها را سد کرده است. به این تظاهرات باید حدود ۱۵۰ گروه کوچک و متوسط اسرائیلی مانند: Taayush، Gush Shafom، Batshafom Rabbis for Human Rights و مشابه آنها را افزود که با سیاستهای اسرائیل مخالف هستند.

دستاورد

همه آنچه که گفته شده حکایت از این دارد که راهبرد و روش مبارزه در فلسطین در نهایت باید روشی مسالمت آمیز و به دور از خشونت و بدون تسلیحات در جهت حل مشکل هم زیستی دو دولت فلسطین و اسرائیل را بییماید و همین روش است که امید به برقراری همزیستی مسالمت آمیز را در فلسطین زنده نگاه می دارد. پژوهشهایی که در این زمینه انجام گرفته است، حاکی از آن است که ۸۰ درصد فلسطینیان بر جنبش مسالمت آمیز تأکید دارند. این جنبش بر تظاهرات، تحریم و عدم اطاعت گروههای غیردولتی از قوانین اسرائیل اصرار دارند. بیش از نیمی از آنها یعنی ۵۶ درصد اظهار کرده اند که در این برنامه ها شرکت مرتب و فعال داشته و حتی بیشتر یهودیان یعنی ۵۷ درصد از یهودیان اسرائیلی چنین جنبشهایی را تأیید و حتی بر آن تأکید داشته اند. اگرچه بیشتر فلسطینی ها و اسرائیلی های طرفدار صلح بر این باورند که معمولاً فعالیتها و تظاهرات مسالمت آمیز، نتیجه فوری و مؤثر ندارد و یا تأثیر آن بسیار کم است.^{۶۶} برای نهادینه شدن مقاومت بدون خشونت، تنها کافی نیست کمیت عددی فلسطینی ها و اسرائیلی ها و یا حتی فعالان بین المللی و سلحشوران مشهور، مقاومت را رهبری یا پشتیبانی کنند، بلکه باید راهبرد و روشی برنامه ریزی شود که اخبار این مقاومتها را به صورت سیل توده ای درآورد؛ آن هنگام است که مقاومت مسالمت آمیز در سطح ملی و بین المللی تأثیرات خود را نشان داده و پیروزی حاصل می شود. این نوشتار پیش رو به دنبال این مطلب بود که دست کم با پیش فرض هایی می توان از راه مسالمت آمیز و با قدری انعطاف و تفاهم دوطرفه، مبارزه ای بدون خشونت و خون ریزی علیه اشغال سرزمینهای فلسطینی و اشغالگران را ممکن ساخت و این امید را به وجود آورد که روزی مانند سالهای قرون پیش، فلسطینیان و اسرائیلی ها در کنار هم با مسالمت زندگی کنند؛ البته این بدان معنا نیست که مقاومت مدنی همراه با مقاومت مسلحانه از سوی فلسطینیان ترک شود. در خاتمه برای بسیاری از خوانندگان این سؤال باقی خواهد ماند که کدام راه به هدف نزدیک تر خواهد بود؛ خشونت، یا پایداری و مقاومت بدون خشونت؟ که پاسخ این پرسش به آینده و نظر خوانندگان مربوط می شود. □

پاورقیها:

۱. از سخنان مارتین لوتر کینگ

2. www.haaretz.com/hasen/spages/21.09.2004
3. Claudia Vgl.Haydt, "Die Vehrseite des Krieges Risse im Sozialen Gefuge Israels," 2002.
4. www.haaretzdaily.com, 22.09.2004; Ubern.Vor H.G.Muller, Strategie Zent. V. nahost, Munchen 2005.
5. ebd/24.09.2004.
6. Aluf Vgl. Benn, "Israel Macht Strategie," Berlin, 20005, S. 18F.
7. Typical
۸. استوارت کلک، چارچوبهای قدرت، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
۹. جوزف نای، «قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا»، ترجمه حمید کریم نیا، روزنامه ایران، ۸۴/۳/۲۸.
۱۰. برای اطلاع بیشتر و مقایسه دیگر دیدگاه بنگرید به:
<http://smart power project.org>
11. Gemeinschaft.
12. Angelika Timm, "Die Zivilgesellschaft in Bewahrung," Berlin: Frankfurt, 2004, S. 27.
13. Timm, ebd., 29.
14. ebd., S. 59.
15. www.assbe40.org, 1988.
16. www.arabhara.org, 1988.
17. www.adalah.org, 1996.
18. Alternative Information Center.
۱۹. Kafar Birem یک دهکده عربی-مسیحی است در ۴ کیلومتری جنوب مرز لبنان با اسرائیل که در سال ۱۹۴۸ ساکنان آن باید منازل خود را ترک می کردند با این ضمانت که ارتش اسرائیل در مدت ۲ هفته امکان بازگشت آنها را فراهم کند، در حالی که تاکنون هیچ گونه اتفافی در این زمینه انجام پذیرفته است و ساکنان همچنان انتظار می کشند و به همین جهت این نام به یکی از سازمانهای آزادی بخش تبدیل شده است.
20. www.adalah.org, 2004.
21. Peace Now.
22. Not in My Mame.

۲۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

- Spiegel, 19, 2005.
- Israeli Konffikt in: www.peace-now.org, 1997, www.otherisrael.home.ige.org 1982
- www.rh.israel.net, 1988.
- www.qush-shalom.org.
- www.newprofile.org, 2000.

24. House of Hope-International Peace Center.
 25. Adam Institut.
 26. www.seruv.org 2002 in: Spiegel
 27. www.haaretzdaily.com, in: hasen/spages48234 Von 27.09.2004.
 28. Timm, A. ebd. in W&F, 4/2004, S. 29.
 29. New Profile: Movement for the Civilization of Isreli Soeiety
 30. Noga Feminist Journal
 31. the Coalition of Women for Peace.
 32. www.Taayush.org.
 33. Palestine Center for Policy and Survey Research, Poll Number 11,14-17 Marz 2004, Siehe: www.pepsr.org/survey/polls/2004, p. 11.
 34. ebd.
 35. ARD (Deutsch. Fernsehen), 23.2.2007.
 36. Middle East Nonviolence and Democracy.
 37. Nusseibeh, Lucy "Gewalt Isigkeit/Gewolt-freiheit ist eine Menilestion Von Starke," Berlin, 2007, S. 37.
 38. Pepd (Palestinian Center for Peace and Democracy).
 39. www.Pengon.org
- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:
- The Center for Agriculturl Services (TCAS)
 - The Institut of Water Studies (Land) REserach Center (LRC)
 - The Palestinian Society for the Protection of Human Rights and the Environment
 - The Palestinian Hydrology Group Roads and Environmental Stafety Center (RESC)
 - Water and Soli Environmental Department Ramallah Manieipality
40. The Palestinian Human Rights Monitoring Group.
 41. Addameer.
 42. Amnesty International.
 43. Human Rights Watch.
 44. Jerusalem Center for Women.
 45. Sumaya Fahrhat-Nasser, "Vermurzeltim Land der Olivern Baume," Eine Palestinian im Streit fur den Frieden, 2002, S. 52.
 46. www.plestine monitor.org/mstafa/mustafaspag.htm
 47. Union Palestinian Medical Relief Committee.
 48. Aktue Entwicklung
 49. Separation Fence Intifada
 50. Apartheid Wall Compaign.

51. The Israel Committee Against House Demolition.

52. www.icaah.org

53. Sied lungs Container.

54. Eni Peace Now Aktivist

55. BBC-News, 8 Sep, 2002.

56. ANti-Apartheid-Wall-Compaign

57. Dr. Arun Gandhi

58. Work Shop.

59. Check Point.

60. (ISM) International Solidority Movement.

61. www.palsolidarity.org, 27.09.2004.

62. ebd. 24.04.2006.

63. Gush Shalom and Taayush.

64. Abu Dis

65. Aram

۶۶. این تحقیقات با کمک سازمان (SFEG) یعنی Search for Common Ground و برنامه موضع گیری سیاستهای بین المللی (PIPA)

The Program on International Policy attitudes

برداشت شده است. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

The Jerusalem Media and communications Center Institute for Public Opinion
Research Aug.2002.

در این تحقیق ۶۰۰ فلسطینی و ۵۰۴ اسرائیلی مورد Inter-View قرار گرفته اند.

www.sfeg.org